

فهرست مطالب

حقوق تجارت ۱	۱۳
درس اول: اعمال تجاری ذاتی	۱۷
الف) معاملات تجاری ذاتی «غیربنگاهی و بدون نیاز به تصدی و استمرار»	۱۸
ب) فعالیت‌های تجاری ذاتی «بنگاهی و مستلزم تصدی و استمرار»	۳۳
درس دوم: تاجر	۴۳
الف) شخص حقیقی تاجر	۴۳
ب) اشخاص حقوقی تاجر	۵۵
درس سوم: معاملات تجاری تبعی	۵۹
الف) معاملات تجاری تبعی اصلی	۵۹
ب) معاملات تجاری تبعی فرعی	۶۳
درس چهارم: تکالیف حرفه‌ای تاجر	۷۱
تکلیف اول - نگهداری دفاتر تجاری	۷۱
تکلیف دوم - ثبت نام در دفتر ثبت تجاری	۸۲
درس ششم: دلالتی	۸۵
درس هفتم: حق العمل کاری	۱۰۳
درس هشتم: قرارداد حمل و نقل	۱۳۱
درس نهم: قائم مقام تجاری	۱۴۹
درس دهم: ضمانت	۱۵۳
حقوق تجارت ۲	۱۵۹
درس اول: کلیات و مقدمات شرکت‌های تجاری	۱۶۳
درس دوم: شرکت سهامی	۱۹۹
فصل اول - کلیات	۱۹۹

فصل دوم - تشکیل شرکت سهامی	۲۰۳
فصل سوم: دوره حیات شرکت سهامی	۲۵۱
فصل چهارم: پایان حیات شرکت سهامی	۴۲۱
درس دوم: شرکت با مسئولیت محدود	۴۵۱
فصل اول: کلیات	۴۵۱
درس دوم: تشکیل شرکت بامسئولیت محدود	۴۵۵
درس سوم: دوره حیات شرکت با مسئولیت محدود	۴۶۱
درس چهارم: انحلال شرکت بامسئولیت محدود	۴۸۵
درس چهارم: شرکت‌های تضامنی و نسبی	۴۹۱
فصل اول - کلیات	۴۹۱
فصل دوم - شرایط تشکیل شرکت	۴۹۶
فصل سوم - طول دوره حیات شرکت تضامنی و نسبی	۴۹۹
فصل چهارم - انحلال شرکت‌های شخص محور	۵۰۸
درس پنجم - شرکت‌های مختلط	۵۱۵
قسمت اول - کلیات	۵۱۵
قسمت دوم - تشکیل شرکت‌های مختلط	۵۲۱
قسمت سوم - حیات شرکت‌های مختلط	۵۲۴
قسمت چهارم - انحلال شرکت‌های مختلط	۵۳۲
درس ششم - شرکت تعاونی	۵۴۳
فصل اول - کلیات	۵۴۳

فصل دوم - تشکیل شرکت تعاونی.....	۵۴۸
فصل سوم - ارکان شرکت تعاونی.....	۵۵۰
فصل چهارم - انحلال شرکت تعاونی.....	۵۵۶
نکات تکمیلی شرکت‌های تجاری.....	۵۵۷

حقوق تجارت

۱

درس حقوق تجارت ۱ اختصاص به شناسایی مفهوم تاجر، تکالیف حرفه‌ای تاجر، معاملات و اعمال تجاری دارد. طبق ماده ۱ قانون تجارت:^۱ "تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد." سپس در ماده ۲ ق.ت معاملات تجاری ذاتی بیان شده‌اند. با توجه به این که ملاک شناسایی تاجر در حقوق تجارت ایران اشتغال به اعمال و معاملات تجاری ذاتی مذکور در ماده ۲ است، ابتدا اعمال و معاملات تجاری ذاتی را شناسایی می‌کنیم؛ در واقع می‌بینیم این اعمال و معاملات چه مواردی هستند که اگر شخصی آن‌ها را شغل خود قرار دهد تاجر محسوب می‌شود. در ادامه با مفهوم تاجر و نکات مربوط به آن آشنا می‌شویم و سپس آن دسته از اعمال و معاملات که به تبع انجام شدن توسط تاجر، تجاری تلقی می‌شوند (یعنی معاملات تجاری تبعی) را شرح می‌دهیم. نهایتاً تکالیف حرفه‌ای که بر عهده تاجر قرار دارند را شناسایی می‌کنیم و در پایان، به سراغ برخی قراردادهای تجاری یعنی دلالی، حق‌العمل‌کاری، حمل و نقل تجاری، قائم مقام تجاری و ضمانت می‌رویم. ترتیب مباحث حقوق تجارت ۱ بدین شکل است:

درس اول - معاملات تجاری ذاتی

درس دوم - تاجر

درس سوم - معاملات تجاری تبعی

درس چهارم - تکالیف حرفه‌ای تاجر

درس پنجم - دلالی

درس ششم - حق‌العمل‌کاری

درس هفتم - حمل و نقل تجاری

درس هشتم - قائم مقام تجاری

درس نهم - ضمانت

۱. از این بعد برای اشاره به عبارت قانون تجارت از نماد ق.ت استفاده می‌شود.

درس اول: اعمال تجاری ذاتی

اعمال تجاری ذاتی آن دسته از اعمالی هستند که در گردش ثروت در جامعه نقش مهمی دارند. این اعمال در ماده ۲ قانون تجارت بر شمرده شده‌اند. اعمال تجاری به دو دسته معاملات

تجاری و فعالیت‌های تجاری تقسیم می‌شوند.^۱

دسته اول) معاملات تجاری: معاملات تجاری جنبه اتفاقی دارند و حتی اگر یک بار هم انجام شوند تجاری محسوب می‌شوند؛ مثل خرید مال منقول به قصد فروش یا اجاره «بند ۱ ماده ۲»

دسته دوم) فعالیت‌های تجاری: فعالیت‌های تجاری جنبه‌ی مستمر دارند و باید در قالب یک بنگاه اقتصادی انجام شوند. بدین ترتیب که باید مقدماتی مثل محل کار، نیروی انسانی، ماشین‌آلات و تجهیزات فراهم شود و سپس در قالب یک بنگاه اقتصادی فعالیت انجام می‌شود. اصطلاحاً به این حالت، "تصدی‌گری" گفته می‌شود.^۲ به بیان دیگر، تجاری تلقی شدن فعالیت‌های تجاری مستلزم این است که به شکل تصدی‌گری یعنی در قالب یک بنگاه اقتصادی و به نحو مستمر انجام شوند.

در ادامه ابتدا معاملات تجاری ذاتی که تجاری بودن آنها مستلزم تصدی و استمرار نیست را بررسی می‌کنیم و سپس به فعالیت‌های تجاری ذاتی که تجاری بودن آنها مستلزم تصدی و استمرار است می‌پردازیم.

۱. طبق قسمت ابتدایی ماده ۲ ق.ت: "معاملات تجاری از قرار ذیل است: ... قانون‌گذار در ابتدای ماده ۲ قانون تجارت مسامحتاً از عبارت معاملات تجاری استفاده کرده است و ظاهراً تفکیکی بین معاملات و فعالیت‌های تجاری قائل نبوده است؛ به عبارت دیگر، ظاهراً تمام مصادیقی که در این ماده ذکر شده‌اند را معامله تجاری دانسته؛ با توجه به این که ماهیتاً برخی از این مصادیق، معامله تجاری در معنای خاص نیستند، در این کتاب از عبارت "اعمال تجاری" استفاده می‌شود که هم معاملات تجاری و هم اعمال تجاری را در بر گیرد. اما توجه شود که در آزمون‌های حقوقی با توجه به متن قانون ممکن است این تفکیک مورد توجه طراح سؤال نباشد و برای تمام مصادیق مندرج در ماده ۲ از عبارت "معاملات تجاری" استفاده شود.

۲. دکتر ربیعا اسکینی، حقوق تجارت، جلد اول، ص ۶۸، دکتر ابراهیم عبدی پورفرد، حقوق تجارت، جلد اول، ص ۶۹

الف) معاملات تجاری ذاتی «غیربنگاهی و بدون نیاز به تصدی و استمرار»

این معاملات به ۶ دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱ - خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این‌که تصرفاتی در آن یا نشده باشد "بند ۱ ماده ۲ ق.ت"
- ۲ - دلالتی، حق‌العمل‌کاری و عاملیت "بند ۳ ماده ۲ ق.ت"
- ۳ - عملیات صرافی و بانکی "بند ۷ ماده ۲ ق.ت"
- ۴ - معاملات براتی "بند ۸ ماده ۲ ق.ت"
- ۵ - عملیات بیمه «بند ۹ ماده ۲»
- ۶ - معاملات راجع به کشتی «بند ۱۰ ماده ۲»

۱) خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این‌که تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد:

اولین و رایج‌ترین معامله تجاری ذاتی حالتی است که شخصی مال منقولی را بخرد یا تحصیل کند به قصد این‌که آن را بفروشد یا اجاره دهد؛ چه در آن تصرف شده باشد و چه در آن تصرف نشده باشد.

برای شناخت دقیق این عمل لازم است مفاهیم خرید یا تحصیل، مال منقول، قصد فروش یا اجاره و نهایتاً مفهوم تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد را مورد بررسی قرار دهیم.

● خرید یا تحصیل

مفهوم خرید کاملاً مشخص است؛ هرگاه شخصی به عنوان خریدار اقدام به انعقاد عقد بیع نماید مالی را خریده است. اما واژه "تحصیل" یک مفهوم عام است و هر روشی که از طریق آن، مالی به دست آید و متعلق به شخص تحصیل‌کننده شود را در بر می‌گیرد. این موارد هم می‌توانند عقد باشند و هم ایقاع؛ در واقع عقد یا ایقاعی که با اراده شخص تحصیل‌کننده مال انجام می‌شود

و باعث می‌شود مال به آن شخص تعلق پیدا کند تحصیل مال است. بنابراین تمام عقود مثل معاوضه و صلح که اثر آنها انتقال مالکیت یک مال به شخص است مصداق تحصیل مال هستند و می‌توانند در قلمرو این بند قرار بگیرند. همچنین حیازت مباحات مثل صید و شکار نیز مصداق تحصیل مال است.^۱

نکته:

کشاوری و دامداری عمل تجاری محسوب نمی‌شود.
تحصیل مال از طریق وقایع حقوقی مثل ارث نمی‌تواند مصداق تحصیل مال به قصد فروش و اجاره باشد.
از میان قراردادهای، صرفاً آن قراردادهایی که به صورت معوض منعقد می‌شوند می‌توانند مصداق خرید یا تحصیل مال به قصد فروش یا اجاره باشند و عمل تجاری محسوب شوند. بنابراین در صورتی که اصغر ماشین خود را به اکبر هبه کند و اکبر به قصد فروش یا اجاره آن ماشین، هبه را قبول کند، عمل تحصیل ماشین، معامله تجاری ذاتی محسوب نمی‌شود، مگر آن که هبه معوض (با شرط عوض) باشد.

۱. دکتر محمدرضا پاسبان، حقوق تجارت، کلیات، تاجر و اعمال تجاری، ص ۱۶۷، دکتر ربیعا اسکینی، حقوق تجارت، کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری، ص ۷۲، دکتر ابراهیم عبدی پورفرد همان منبع،

نکته:

تحصیل مال لزوماً از طریق انتقال مالکیت عین آن مال نیست، یعنی ضرورت ندارد که تحصیل کنند. در نتیجه تحصیل، مالک مال شود؛ بلکه ممکن است تحصیل مال از طریق انتقال مالکیت منافع. بنابراین اگر شخصی مالی را به قصد اجاره، اجاره کند می‌توان گفت آن مال را تحصیل کرده است و عمل او عمل تجاری ذاتی محسوب می‌شود. به طور مثال، تصور کنید جواد یک ماشین بنز را از اکبر اجاره می‌کند تا آن را برای مراسم عروسی به دیگران اجاره دهد. در این‌جا درست است که جواد مالک عین آن بنز نشده اما مالک منافع آن شده و به همین جهت، می‌توان گفت آن مال تحصیل شده و با توجه به این‌که قصد او اجاره آن مال به دیگران است عمل تجاری ذاتی محسوب می‌شود.

توجه شود که طبق ظاهر قانون، صرفاً خرید و تحصیل به قصد فروش یا اجاره معامله تجاری است. در نتیجه، عمل فروش و اجاره معامله تجاری ذاتی نیست؛^۱ بلکه تحت شرایطی که در شرح ماده ۳ (بحث معاملات تجاری تبعی) بیان می‌کنیم ممکن است عمل تجاری تبعی باشد. البته استثنائاً طبق بند ۱۰ ماده ۲ فروش یا اجاره کشتی و به طور کلی، تمام معاملات راجع به کشتی، صرف‌نظر از هدفی که در زمان معامله وجود دارد عمل تجاری ذاتی است. بنابراین خرید کشتی حتی برای استفاده شخصی عمل تجاری ذاتی محسوب می‌شود. به همین ترتیب، فروش کشتی نیز با هر هدفی انجام شود عمل تجاری ذاتی است.

۱. در این رابطه نظر مخالف هم وجود دارد؛ برخی معتقدند فروش اموال نیز عمل تجاری ذاتی محسوب می‌شود. (دکتر ابراهیم عبدی پورفرد، همان منبع، ص ۶۶) البته در آزمون‌های حقوقی آن چه در متن بیان شد ارجح است.

● به قصد فروش یا اجاره

خرید یا تحصیل مال منقول در صورتی معامله تجاری ذاتی است که دقیقاً در زمان خرید یا تحصیل، قصد فروش یا اجاره آن مال وجود داشته باشد. توجه شود آنچه مهم است قصد فروش یا اجاره است نه قصد سود بردن؛ بنابراین اگر شخصی کالایی را به قیمت پنجاه هزار تومان بخرد که به همان قیمت پنجاه هزار تومان بفروشد عمل او تجاری ذاتی است. مثال بارز خرید یا تحصیل مال به قصد اجاره بنگاه‌هایی هستند که اتومبیل‌های لوکس را خریده‌اند تا به مردم اجاره بدهند.

نکته:

صرف وجود قصد فروش یا اجاره در زمان خرید یا تحصیل مال کافی است تا خرید و تحصیل را عمل تجاری ذاتی کند؛ بنابراین اگر بعد از خرید یا تحصیل، قصد فروش یا اجاره از بین برود، همچنان عمل خرید یا تحصیل آن مال، عمل تجاری ذاتی تلقی می‌شود. به طور مثال، ممکن است شخصی اتومبیلی را به قصد فروش بخرد اما پس از مدتی از فروش آن صرف‌نظر نماید؛ در این صورت، عمل خرید آن اتومبیل همچنان عمل تجاری است و صرف‌نظر نمودن از فروش مانع تجاری دانستن عمل خرید اتومبیل نمی‌شود.

اگر شخصی مالی را به قصد استفاده شخصی خود و یا مصرف در امور خیریه بخرد یا تحصیل کند اما بعداً اقدام یا فروش یا اجاره آن کند عمل خرید یا تحصیل آن مال، تجاری تلقی نمی‌شود.

ممکن است شخصی قبل از خرید یا تحصیل مال اقدام به فروش آن نموده باشد؛ در این حالت نیز عمل خرید یا تحصیل، عمل تجاری است. مثلاً ممکن است یک ماهی‌گیر پنج کیلو ماهی را به شکل کلی فی‌الذمه به ماهی فروش بفروشد و بعداً به دریا برود و ماهی‌ها را صید کند. در این حالت با توجه به این که در زمان صید «تحصیل» قصد فروش وجود داشته عمل تجاری ذاتی محقق شده است.

نکته:

درست است قانون‌گذار خرید یا تحصیل به قصد فروش یا اجاره را عمل تجاری ذاتی دانسته، اما در فرضی که شخصی مالی را به قصد معاوضه می‌خرد هم عمل خرید یا تحصیل مال، عمل تجاری ذاتی است. در واقع، اشاره به لفظ فروش یا اجاره به جهت غلبه این دو عقد است و قاعداً معاوضه هم می‌تواند همان کارکرد را داشته باشد.^۱

● اعم از این که در آن مال تصرف شده باشد یا نشده باشد

اگر شخصی مالی را به قصد فروش یا اجاره بخرد و در آن دخل و تصرفی انجام دهد که ماهیت آن مال را عوض نکند عمل خرید یا تحصیل، عمل تجاری ذاتی است؛ اما اگر حدود دخل و تصرف در مال به میزانی باشد که ماهیت آن مال را به طور کلی تغییر دهد، دیگر عمل خرید یا تحصیل، عمل تجاری ذاتی محسوب نمی‌شود. به اشخاصی که اموالی می‌خرند و پس از اعمال تغییرات اساسی (به نحوی که ماهیت آن مال را عوض می‌کند) آن مال را می‌فروشند اصطلاحاً "پیشه‌ور" گفته می‌شود.^۲

به طور مثال، اگر شخصی یک ماشین را به قصد فروش بخرد و موتور آن را تقویت کند که بهتر به فروش برسد، عمل خرید ماشین عمل تجاری ذاتی است؛ زیرا ماهیت ماشین تغییر نکرده است. اما اگر یک خیاط مقداری پارچه بخرد که با آن پارچه لباس بدوزد و لباس را بفروشد، عمل خرید پارچه تجاری ذاتی نیست؛ زیرا ماهیت پارچه به طور کامل عوض می‌شود و مال دیگری که لباس نام دارد به فروش می‌رسد.

۱. دکتر محمدرضا پاسبان، همان منبع، ص ۱۷۲. البته ممکن است در آزمون‌ها ظاهر قانون ملاک پاسخ‌گویی باشد.

۲. دکتر ربیعا اسکینی، حقوق تجارت، جلد ۱، ص ۸۰.

● مال منقول

آن مال که به قصد فروش یا اجاره، خرید یا تحصیل می‌شود باید از نوع اموال منقول باشد و اگر مال موضوع معامله غیرمنقول باشد معامله تجاری محسوب نمی‌شود.

در خصوص مصادیق مال منقول بین نویسندگان اختلاف است؛ بنا بر نظر آقای دکتر اسکینی صرفاً اموال منقول فیزیکی در قلمروی بند ۱ ماده ۲ قرار دارند. از نظر ایشان، خرید و تحصیل اموال فکری، سهم‌الشرکه شرکت و سهام، اوراق قرضه، اوراق بهادار، دیون و مواردی از این دست در قلمروی تعریف اموال منقول قرار نمی‌گیرد.^۱ اما بنابر نظر دکتر ستوده موارد فوق در قلمروی اموال منقول هستند و خرید یا تحصیل آنها به قصد فروش یا اجاره عمل تجاری ذاتی است.^۲ با توجه به جایگاه ممتاز این اموال در اقتصاد امروز کشورها و نقشی که در تولید ثروت در جامعه دارند به نظر می‌رسد نظر اخیر قابل قبول‌تر باشد.

نکته:

طبق ماده ۵۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: «پذیره‌نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری نیست.» این ماده در خصوص پذیره نویسی و فروش اولیه اوراق قرضه است. بنابراین در صورتی که شخصی اوراق قرضه را به قصد فروش بخرد عمل تجاری ذاتی انجام داده و در صورتی که این عمل شغل معمولی او باشد تاجر محسوب می‌شود.^۳

اموال غیرمنقول حکمی که در ماده ۱۷ قانون مدنی بیان شده‌اند (یعنی تراکتور و وسایل کشاورزی) ذاتاً منقول هستند و تنها از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال تابع احکام اموال غیرمنقول می‌باشند. بنابراین اگر شخصی به قصد فروش یا اجاره اقدام به خرید یا تحصیل آن اموال کند عمل تجاری ذاتی انجام داده است.

۱. دکتر ربیعا اسکینی، همان منبع، ص ۷۰

۲. دکتر حسن ستوده تهرانی، حقوق تجارت، جلد ۱، ص ۴۵

۳. دکتر محمدرضا پاسبان، همان منبع، ص ۱۶۹

هر عمل ارادی اعم از عقد یا ایقاع مثل حیات مزایا، بیع و اجاره می‌تواند مصداق تحصیل مال باشد.	(۱) خرید یا تحصیل	البته از میان قراردادهای صرفاً قراردادهای معوض مصداق تحصیل مال موضوع بند ۱ ماده ۲ ق.ت.ا است؛ بنابراین قبول وصیت و هبه به قصد فروش یا اجاره عمل تجاری ذاتی نیست.
صرفاً خرید یا تحصیل عمل تجاری ذاتی است و فروش یا اجاره عمل تجاری ذاتی محسوب نمی‌شود؛ البته استثنائاً در رابطه با کشتی، هم خرید و تحصیل و هم فروش و اجاره با هر قصد و نیتی انجام شده باشد عمل تجاری ذاتی محسوب می‌شود.		
اجاره به قصد اجاره مال منقول عمل تجاری ذاتی است. قصد فروش یا اجاره باید در زمان خرید یا تحصیل وجود داشته باشد. اگر در زمان خرید یا تحصیل قصد فروش یا اجاره وجود داشته باشد اما بعد از خرید یا تحصیل، قصد فروش یا اجاره از بین برود عمل خرید یا تحصیل همچنان عمل تجاری ذاتی است. ممکن است عملاً خرید یا تحصیل بعد از فروش انجام شود؛ مثل این‌که یک صیاد تعدادی ماهی را به طور کلی فی‌الذمه می‌فروشد و بعد از فروش، اقدام به صید آن ماهی‌ها می‌نماید. در این حالت هم عمل صید ماهی عمل تجاری ذاتی است.	(۲) به قصد فروش یا اجاره	خرید یا تحصیل مال منقول به قصد فروش یا اجاره (بند ۱ ماده ۲)
(این تصرفات باید به قدری باشند که ماهیت کالای خریداری یا تحصیل شده را تغییر ندهند؛ اگر ماهیت تغییر کند، عمل خرید یا تحصیل، عمل تجاری ذاتی و مصداق بند ۱ ماده ۲ نیست.)		
(۳) اعم از این‌که تصرفی در آن شده یا نشده باشد	(۴) مال منقول	دکتر اسکینی ← فقط اموال مادی دکتر ستوده ← اعم از اموال مادی و غیر مادی است.
نظر دکتر ستوده قابل قبول‌تر است.		

۲) دلالی، حق العمل کاری و عاملیت (بند ۳ ماده ۲ ق.ت)

در حقوق تجارت سه دسته نمایندگی وجود دارد. این نمایندگی‌ها که انجام معاملات را تسهیل می‌کنند عبارتند از دلالی، حق العمل کاری و عاملیت؛ هر سه دسته این نمایندگی‌ها عمل تجاری ذاتی محسوب می‌شوند.

● **دلالی:** در مواقعی پیدا کردن طرف معامله مثل خریدار و فروشنده برای اشخاص سخت است؛ تصور کنید شخصی می‌خواهد ماشین خود را بفروشد اما نمی‌تواند خریدار پیدا کند؛ از این‌رو نیاز به اشخاصی است که بتوانند برای آن ماشین خریدار پیدا کنند. برای رفع این نیاز مفهوم دلالی به وجود آمده است. طبق ماده ۳۳۵ ق.ت: "دلال کسی است که در مقابل دریافت اجرت واسطه انجام معاملاتی شده و برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می‌کند. ..." بنابراین عمل دلالی یعنی پیدا کردن طرف معامله و واسطه شدن در انعقاد معامله. قواعد راجع به دلالی در مواد ۳۳۵ تا ۳۵۶ ق.ت. بیان شده‌اند.

نکته:

دلال فقط واسطه‌گری می‌کند و قرارداد توسط دلال و با اراده او منعقد نمی‌شود.

● **حق العمل کاری:** در مواقعی شخصی می‌خواهد معامله‌ای انجام دهد اما مشکلش این است که در بازار اعتبار کافی ندارد و هر کسی حاضر به انعقاد قرارداد با او نمی‌شود. مثلاً تصور کنید یک کشاورز در بازار شناخته شده نیست و کمتر مورد اعتماد میوه فروشان بازار قرار می‌گیرد، اما قصد دارد محصولات فصل بعد خود را در بازار پیش فروش کند؛ قاعدتاً به دلیل اعتبار کم آن کشاورز، کمتر میوه فروشی حاضر به پیش خرید محصولات او خواهد بود. از این‌رو نیاز به اشخاصی است که با استفاده از اعتبار خود بتوانند به نام خودشان اما به حساب آن کشاورز کم اعتبار میوه‌های او را پیش فروش کنند. برای رفع این نیاز مفهوم حق العمل کاری به وجود آمده است. طبق ماده ۳۵۷